

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### شیطان و جن در قرآن و روایات

#### جلسه پنجم - ۸۸/۸/۵

۳) شیطان و جن چگونه موجوداتی هستند؟ (ادامه)

۳-۱۱) آیا امکان عکس برداری از جن وجود دارد؟

در مباحث گذشته بیان شد که جن موجودی است دارای روح و جسم که جسم آنها ظریف و لطیف و همانند موج جاگیر نبوده و قابل لمس نیست.

بنابراین از آنجا که جن دارای جسم فیزیکی دارای حجم نمیباشد، قابلیت تصویربرداری از آنها وجود ندارد. بنابراین اگر در جایی هم تصاویری از جن نشان میدهند، کذب است زیرا جن جسمی فیزیکی و قابل لمس ندارد که بتواند نور را منعکس کرده و بتوان از آنها تصویر برداشت.

در هر حال به نظر میرسد با توجه به اینکه امکان عکس برداری از نور با توجه پیشرفت علمی کنونی بشر میسر نیست و اگر از نور عکس گرفته شود، در حقیقت از جای خالی آن در تصویر عکس گرفته شده است، بنابراین، اگر نور جنیان لطیفتر از نورهای مادی موجود باشد، باز امکان عکس برداری از آن باید مورد بررسی علمی قرار گیرد.

۳-۱۲) تجسم یا تمثّل

از افراد موجه بسیاری به ویژه از برخی برجستگان علما که به هیچ وجه نمی توان آنان را به دروغ گویی متهم ساخت، رؤیت جنیان نقل شده است. آیا امکان دیدن جسم لطیف جنیان توسط چشم مسلح و یا غیر مسلح امکان پذیر است یا نه؟ با توجه به نکاتی که پیرامون ماهیت جنیان ذکر شد، قطعاً دیدن جن با چشم غیر مسلح امکان پذیر نیست، چنانکه دیدن جنیان با چشم مسلح نیز با توجه به پیشرفت علم تاکنون میسر نیست. بنابراین، قطعاً میتوان گفت این رؤیت ها به صورت تجسم نبوده است، بلکه دیدن جن، اگر کسی هم جنیان را مشاهده و توصیف کند، در واقع این توصیف بیان تمثّل جن است نه تجسم آنها. یعنی جن برای

آن فرد به آن شکل مشاهده شده است، نه اینکه واقعاً جن جسم شده باشد و فرد او را دیده باشد. تمثّل حتی در مورد مشاهدهی ملائکه نیز که وجودشان کاملاً مجرد است و هیچ یک از ویژگیهای مادی و آثار آن را ندارند، همین بحث تمثّل مطرح میباشد. علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> هم از نظر فلسفی و هم از نظر قرآنی مشاهدهی ملائکه را تمثّل میدانند. در قرآن کریم هم در سورهی مریم - آیهی ۱۷ مشاهدهی حضرت مریم<sup>(س)</sup> تمثّل بیان شده است:

(... فتمثّل لها بشراً سوياً) یعنی حضرت مریم<sup>(س)</sup> فرشته را به شکل انسان مشاهده کرد، نه اینکه فرشته واقعاً به شکل انسان در آمده و تجسّم پیدا کرده باشد.

#### ۴) ترسیم زندگی شیطان و جن در قرآن و احادیث

در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام موارد زیادی وجود دارد که چگونگی زندگی شیطان و جن را ترسیم کردهاند. ولیکن تا کنون این آیات و روایات به خوبی و در کنار هم جمعآوری نشده است. علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> در کتاب المیزان مقالهی مختصری تحت عنوان «کلام فی الجن» آوردهاند. در دیگر کتب تفسیری، فلسفی و یا فقهی نیز به شکل پراکنده در لابه لای آیات قرآن و روایات به این بحث اشاره شده است.

#### ۴-۱) شئون زندگی مادی جنیان و شیطان:

حال که ثابت شد جنیان دارای بعد مادی هستند، شئون این زندگی مادی را بررسی خواهیم کرد.

#### ۴-۱-۱) جنیان از عمر طولانی برخوردار هستند

از آیات قرآن میتوان فهمید که ابلیس دارای عمری طولانی است.

سورهی اعراف - آیهی ۱۴:

«قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»

ابلیس به خداوند گفت به من تا روز قیامت مهلت بده.

و خداوند دعای او را مستجاب کرد:

«قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ»

بنابراین مشخص میشود ابلیس دارای عمری طولانی است. برخی این طول عمر را از سوی خداوند به صورت «تفضلی» دانسته‌اند و آن را برای تمام جنیان تعمیم نداده‌اند.

به هر حال معلوم میشود جنیان قابلیت عمر طولانی را دارند. هر چند شواهد بسیاری وجود دارد که عموم جنیان دارای عمری طولانی هستند.

در روایات داریم که قبل از ابلاغ فرمان سجده بر آدم، ابلیس حدود شش هزار سال در میان ملائکه بود. این دیگر قطعاً تفضلی نیست.

در کامل الزیارات داریم که چهار هزار نفر از جنیان در کربلا به کمک امام حسین علیه السلام آمدند ولی موفق به این کار نشدند. این گروه از آن موقع در کربلا مقیم بوده و به زائرین امام حسین علیه السلام کمک میکنند.

یکی از همین گروه جنیان به نام «ضعفر جَنّی» در زمان آیت الله بروجردی<sup>(ره)</sup> مرحوم شدند که ایشان مجلس ترحیم برای او برگزار کردند.

و یا آیت الله بهجت<sup>(ره)</sup> از قول علامه امینی<sup>(ره)</sup> صاحب کتاب الغدیر نقل میکردند که گروهی از جنیان به علامه امینی گفتند از قول ما در کتاب بنویس که برخی از ما و پدران ما در روز غدیر حضور داشتند و دیدند که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در آن روز، علی علیه السلام را به امامت و جانشینی بعد از خود منصوب فرمودند.

طبیعی است موجودی که ظریف و لطیف بوده و محدودیت های جسمی و بدنی انسان را ندارد و

تغذیهی خیلی ظریفی هم دارد، طول عمری طولانی داشته باشد.

بدین ترتیب، نیاز کم و جزئی به مواد فیزیکی، با طول عمر زیاد جنیان متناسب میباشد. هر چند که نصّ صریح آیات قرآن و روایات روی این مسئله تاکید دارد.

۴-۱-۳) به صورت اجتماعی زندگی میکنند.

از آیات قرآن استنباط میشود که جنیان به شکل امت بوده و زندگی اجتماعی دارند.

«امت» از ریشهی «أَمَمَ» و به معنی قصد میباشد.

«امت» در تعریف به گروهی گفته میشود که گرد هم آمده و زندگی اجتماعی داشته و یک هدف واحد را دنبال میکنند.

به هر جماعت و گروهی «امت» نمیگوییم، بلکه داشتن هدف واحد اهمیت دارد.

در قرآن کریم در ۴۹ آیه لفظ «أمة» به کار رفته است که متناسب با بحث به برخی از آنها اشاره خواهد

شد: سورهی بقره- آیهی ۲۱۳:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ...»

در این آیه به صراحت جوامع انسانی، امت تلقی شده است. انسانها گروهی هستند که در زندگی

اجتماعی خود هدف مشترکی را پی میگیرند.

و یا سورهی آل عمران- آیه ۱۰۴:

«وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...»

شما امتی باشید که دور هم جمع شده و به خیر و نیکی دعوت کنید.

در قرآن گروهی از اهل کتاب که به تلاوت آیات الهی و شب زندهداری مشغول هستند، «امت» خوانده

شده‌اند.

سورهی آل عمران-آیه ۱۱۳:

«لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ»

آیهی دیگری که لفظ «أمة» در آن به کار رفته سورهی نساء-آیه ۴۱ میباشد:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»

چگونه خواهی بود در روزی که از هر امتی، شاهدی خواهد آمد و تو رسول اکرم<sup>(ص)</sup> بر همه آنها شاهد خواهی بود.

این آیه اشاره به شهادت اعمال است که در هر امتی، امام آن امت به حقیقت اعمال آنها شهادت خواهد داد. و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> سرآمد همهی ائمه و همهی شاهدان خواهد بود.

بنابراین لفظ امت در مورد گروههای انسانی در آیات متعددی به کار رفته است.

در سورهی انعام-آیه ۳۸ برخی موجودات دیگر نیز امت خوانده شدهاند:

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»

هیچ جنبندهای در روی زمین نیست و هیچ پرندهای که با دو بال خودش پرواز کند وجود ندارد مگر این که مثل شما امتهایی هستند ما در کتاب هستی هیچ کوتاهی نکردهایم، و همهی اینها به سوی پروردگارشان محشور خواهند شد.

بنابراین طبق این آیه از قرآن کریم، تمام جنبندگان و پرندگان امت هستند، یعنی گروههایی هستند که زندگی اجتماعی داشته، هدف خاصی دارند و به سوی مقصد مشترکی حرکت میکنند.

پرواز گروهی پرندگان نمونهی محسوس از این شعور میباشد. زندگی گروهی موریانه ها و یا زنبور

عسل نیز نمونه‌های ملموس دیگری هستند.

در این زندگی گروهی تقسیم کار، رئیس و مرئوس و ... وجود دارد و با بهره‌گیری از یک شعور و آگاهی مشخص اعمال آنها برای رسیدن به هدف معینی، جهت‌گیری شده است.

ترکیب «مامن» در ابتدای آیه نکره در سیاق نفی میباشد و عمومیت را میرساند. یعنی از این آیه میتوان استنباط کرد تمامی جنبندها در روی زمین و پرندگان امت هستند و بدیهی است زندگی گروهی و با هدف مشخص، بدون برخورداری از شعور ممکن نیست و هر موجود ذی شعور به همان میزان برخورداری از شعور حتی اگر خیلی کم باشد دارای تکلیف است. لذا در ادامهی آیه میفرماید: « ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ » از این آیه و از آیهی ۵ سورهی تکویر که میفرماید: « وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَاتٍ » محشور شدن همهی حیوانات ثابت میشود.

حال به آیاتی که بر امت بودن جنیان تاکید دارد اشاره خواهیم کرد:

سورهی اعراف - آیه ۳۸:

« قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ... »

سورهی فصلت - آیه ۲۵:

« ... فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ... »

سورهی احقاف - آیه ۱۸:

« أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ »

همانطور که ملاحظه میشود در این آیات جنیان نیز مانند انسانها امت خوانده شده‌اند. لذا ثابت

میشود جنیان دارای زندگی گروهی هستند.

از زندگی گروهی جنیان و اینکه دارای عقل و شعور هستند، بسیاری از نکات را در مورد کیفیت زندگی آنها از جمله داشتن زبان یا زبان های مشترک و ... میتوان استخراج کرد که در مباحث بعدی به آنها اشاره خواهد شد.

#### ۴-۱-۳) اطوار تاریخی طولانی را طی کرده‌اند.

از عمر طولانی جنیان و به کار بردن لفظ «أمم» در قرآن کریم که جمع امت میباشد، میتوان نتیجه گرفت جنیان مثل انسانها دارای تاریخ زندگی و تمدن‌ها و اطوار تاریخی مختلف بوده‌اند.

#### ۴-۱-۴) پیش از انسانها وجود داشته‌اند.

چنانکه پیش از این گفته شد از آیات قرآن که اشاره به خلقت انسان، امر به سجده و سریچی ابلیس دارد، مشخص میشود که زندگی زمینی او، وجود داشته‌اند.

از ترکیب «فی الارض» مشخص میشود که زندگی جنیان در روی کره زمین بوده و ملائکه از تجربه‌ی قبلی زندگی جنیان در روی زمین، فهمیدند که زندگی زمینی انسان نیز دارای فساد خواهد بود.

البته برخی مفسرین قرآن با استفاده از روایات معصومین<sup>(ع)</sup> که در ذیل آیات مربوط آمده است، بر این عقیده‌اند که به طور قطع قبل از انسان، جنیان در روی زمین زندگی کرده‌اند و توجهی به ترکیب «فی الارض» در آیه نکرده‌اند.

نکته:

با توجه به شواهد موجود عمر انسان کنونی را حدود شش تا هشت هزار سال میتوان تخمین زد. با

احتمالات آماری نیز این طول عمر قابل اثبات است.

علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> در تفسیر المیزان در ذیل آیهی اول سورهی نساء و عبارت «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا

وَنِسَاءً» با بررسی شواهد آماری دقیق، عمر انسان را به همین مقدار تخمین زده است.

و این معیار را علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> از آیه اشاره شده برگرفته است و در ادامه در ضمن بحث مستقل از راه حساب احتمالات نتیجه توالد و تناسل انسان از دو نفر (آدم و حوا و فرزندان آنها) تا جمیعت کنونی کرهی زمین را در نظر گرفته و نتیجه گرفته است که دو نفر اگر بخواهد به این اندازه جمیعت برسد، شش تا هشت هزار سال طول میکشد. بنابراین نسل کنونی انسانها به همین اندازه در روی زمین قدمت دارد.

ولی در تحقیقات باستانی، اجسادى از انسان کشف میشود که خیلی بیشتر از این میزان عمر دارند. در

حق این اشکال چه پاسخی میتوان داد؟

بنابر شواهد و روایات، اینها گروهی هستند تحت عنوان « نسناس» که قبل از انسان در کرهی زمین زندگی کردهاند. دارای قیافهای شبیه انسان ولی هیکلی بزرگتر بودهاند و به طور قطع عقل و شعور آنها خیلی کمتر از انسان بوده است. از تمدنی که از آنها به جای مانده میتوان نتیجه گرفت تفکر آنها و بالطبع کمالات معنوی کمی داشتهاند.

انسان کنونی در این چند سال آنقدر در علم و تمدن پیشرفت کرده که به نیروی هستهای و سفر به فضا دست پیدا کرده است. اگر مثلاً در اثر اتفاقی تمام مردم کرهی زمین از بین بروند، در بقایای تمدن آنها شهرهای وسیع و کارخانهای عظیمی کشف خواهد شد. ولی از تمدن نسناس که سالهای بیشتری از انسان در کرهی زمین زندگی کردهاند، جز وسایل بسیار ساده و ابتدایی کشف نشده است.

نیز خداوند در قرآن کریم در ماجرای خلقت آدم ابوالبشر، اشاره به آغاز آفرینش انسان میکند. یعنی

نسناس به عنوان جمعیتی که دارای کمالات چندانی باشند و بتوان آنان را برتر از جنیان دانست؛ محسوب نشدهاند کمالات آدم اولین نفر از جمیعت این انسان کنونی مطرح است و همین انسان است که در مورد او «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» و «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و ... .

از این رو، از آیات و شواهد تاریخی برمی آید که این انسان، برترین موجود است و اگر انسانهایی پیش

از او بودهاند، هر چند قیافه این انسان را داشته باشند، قطعاً کمالات او را دارا نبودهاند.



۴-۱-۵) در روی کرهی زمین میزیستهند.

از بحثی که شد نتیجه میگیریم که جنیان در روی کرهی زمین زندگی میکردهاند.

برای تکمیل بحث به روایتی از امیر المومنین علی<sup>(ع)</sup> اشاره خواهیم کرد. (بحار الانوار - جلد ۱۱ - صفحه

۱۰۳): روایت را جابر جعفی از امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرانشان و از حضرت علی علیه السلام

اینچنین نقل می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا بَيِّدَهُ»

خداوند تبارک و تعالی اراده کرده تا مخلوقی را با ید قدرتش بیافریند

« وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا مَضَى مِنَ الْجِنِّوَالنَّسْنَسِ فِي الرِّضِ سَبْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ »

و این زمانی بود که حدود هفت هزار سال از خلقت جن و نسناس در روی زمین می گذشت.

« وَ كَانَ مِنْ شَأْنِهِ خَلْقُ آدَمَ »

و خداوند راده به آفرینش آدم کرد.

« كَشَطَ عَنْ أَطْبَاقِ السَّمَاوَاتِ وَقَالَ لِلْمَلَائِكَةِ انظُرُوا أَلَى أَهْلِ الرِّضِ مِنْ خَلْقِي مِنَ الْجِنِّ وَالنَّسْنَسِ »

تا اینکه خداوند پرده ها را از تمام طبقات آسمانها کنار زد و خطاب به ملائکه گفت به آفرینش من از

جن و نسناس از اهل زمین نگاه کنید.

« فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ مِنْشِ الْمَعَاصِي وَ سَفَكَ الدِّمَاءِ وَ الْفَسَادِ فِي الرِّضِ بَغِيرِ الْحَقِّ »

هنگامی که ملائکه آنچه را که جن و نسناس از معصیت انجام می دهند و خونریزی و فسادی که در

مسیر باطل در روی زمین مرتکب می شوند را مشاهده کردند.

« عَظُمَ ذَلِكُمْ عَلَيْهِمْ »

این مسئله برای آنها سنگین تمام شد.

«وَعَسَّضُوا لَهِ وَتَأَسَّسُوا عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَمْ يَمْلِكُوا عَضْبَهُمْ»

و خشمگین شدند و برای اهل زمین تأسف خوردند و نتوانستند جلوی خشم خود را بگیرند.

«فَقَالُوا رَبَّنَا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْقَادِرُ الْجَبَّارُ الْقَاهِرُ الْعَظِيمُ الشَّانِ وَ هَذَا خَلْقَكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ يَتَقَلَّبُونَ فِي

قَبْضَتِكَ وَ يَعِيشُونَ بِرِزْقِكَ وَ يَسْتَمْتِعُونَ بِعَافِيَتِكَ»

سپس ملائکه گفتند خدایا تو پروردگاری عزیز، قادر، جبار، قاهر، و عظیم الشان هستی و اینها

مخلوقی ضعیف و ذلیل هستند که تحت قدرت تو قرار دارند، با رزق و روزی تو زندگی می کنند و از سلامتی و

عافیت تو بهره مند هستند.

« وَ هُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ »

ولی با این وجود معصیت و نافرمانی تو را می کنند، آن هم با این گناهان خیلی بزرگ

«لَا تَأْسَفْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَغْضَبْ وَ لَا تَنْتَقِمَ لِنَفْسِكَ لِمَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ وَ تَرَى»

خدایا با این وجود چرا تو بر آنها تأسف نمی خوری، بر آنها خشم نمیگیری و به واسطهی آنچه از آنها

میشنوی و میبینی انتقام نمیگیری؟

« وَ قَدْ عَظُمَ ذَلِكَ عَلَيْنَا وَ أَكْبَرْنَاهُ فَيْكَ »

این مسئله خیلی برای ما سنگین است و تحمل آنچه اتفاق می افتد برای ما سخت است.

« قَالَ فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ إِنَّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً يَكُونُ حُجَّةً فِي أَرْضِي عَلَى خَلْقِي »

هنگامی که خداوند اینها را از ملائکه شنید گفت: من میخواهم در روی زمین برای خود جانشینی قرار

دهم که حجت من در روی زمین بر تمامی آفریده هایم باشد.

« فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبْحَانَكَ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا كَمَا أَفْسَدَ بَنُو الْجَانِّ وَ يَسْفِكُونَ الدِّمَاءَ كَمَا سَفَكَتِ

بَنُو الْجَانِّ وَ يَتَحَاسَدُونَ وَ يَتَّبِعَاغْضُونَ»

ملائکه گفتند خدایا تو از هر خطا و اشتباه پاک و منزهی و مبرا هستی، آیا میخواهی کسی را خلیفه‌ی خود قرار دهی که در روی زمین فساد کند، همانگونه که قبل از این جنیان فساد کردند و خونریزی راه بیندازد، همانطور که قبل از این جنیان راه انداختند، نسبت به هم حسد بورزند و خشم بگیرند.

« فَاجْعَلْ ذَلِكَ الْخَلِيفَةَ مِنَّا فَإِنَّا لَأَنْتَحَاسِدُ وَ لَأَنْتَبَاغِضُ وَ لَأَنْسِفِكُ الدِّمَاءَ وَ «سُبْحَانَكَ بِحَمْدِكَ وَ نَقْدَسُّ

لَكَ»

پس خدایا با این وجود از میان ما برای خودت خلیفه و جانشین انتخاب کن، ما نسبت به هم حسد نمیورزیم، خشم نمی گیریم، خونریزی نمیکنیم و همواره در حال تسبیح و حمد و تقدیس تو هستیم.

« فَقَالَ جَلٌّ وَ عَزٌّ «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»»

خداوند در پاسخ ملائکه گفت « من چیزهایی میدانم که شما نمیدانید »

این روایت به خوبی به بسیاری از ابهامات پاسخ میدهد و مشخص میشود قبل از آفرینش این انسان، جنیان در روی همین زمین زندگی میکردند و علاوه بر آنها گروه « نسناس » هم وجود داشتند که از نظر قیافه‌ی ظاهری شبیه انسان امروزی بوده اند ولی به طور قطع دارای عقل و شعور و کمال معنوی چندانی نبودند، زیرا قابلیت و استعداد خلیفه‌ی الهی را نداشتند.